



گفتگو



آن روزها

سینا واحدی

قدرت زمزمه و سال‌های ترس



زیباترین مقاومت ملی، در دوره سیاه مدرنیزاسیون دیکتاتوری «رضاخان» هنوز پنهان مانده و متأسفانه جایگاه معتبر و ارزشمند در اندیشه و تفکر تاریخی یکصد ساله اخیر جامعه ایران را بدست نیاورده است. نسل امروز واقعاً نمی‌داند در سرزمین حافظ و

مولانا و محتشم در همین قرن شمسی که با یک «کودتای عیار انگلیسی» آغاز شد، سخن گفتن از «حسین» ممنوع شده بود و اگر فردی از حسین سخن می‌گفت «مجرم» تلقی می‌شد و نیروهای امنیتی حق داشتند او را بازداشت و روانه زندان کنند!

دولت غیرقانونی کودتای «رضاخان» پس از کشتار وحشیانه و ضدانسانی شهروندان مشهد مقدس، در مسجد بزرگ «گوهرشاد»، با اتخاذ سیاست فرهنگی مبتنی بر نابودی و تضعیف بنیادهای دینی، عزاداری برای امام حسین(ع) را ممنوع اعلام کرد و با مانورهای امنیتی وحشت‌افزین در شهرهای بزرگ از تشکیل هرگونه مجلس عزیزی و روضه ... جلوگیری کرد و نگذاشت حتی یک مجلس عزای حسینی شکل گیرد و صدای یا حسین یا «شهید» بلندآوازه شود.

اگر بخواهیم با کمی انصاف درباره این سیاست فرهنگی «رضاخانی» قضاوت کنیم باید بگوییم: این سیاست، اعلان جنگ رسمی یک دولت با ملت و جامعه ایران زمین بود. بدین خاطر که عزاداری برای حسین(ع) یک سنت فرازمانی مردم ایران بود و حداقل از زمان دولت آل بویه که «هه اول محرم» را دهه عزاداری برای اهل بیت امام حسین(ع) اعلام و روزعاشورا را تعطیل رسمی معرفی کردند و استفاده از پرچم سیاه را برای بزرگداشت حسین(ع) به رسمیت شناختند... عزای حسینی با روح تاریخی جامعه ایرانی یکی شده بود و جداسازی آن غیرممکن بود.

از دیدگاه تفکر تحلیلی تاریخ گذشته ایران، حکومت قدرتمند «آل بویه» سیاست و راهبرد تأسیس یک سنت مذهبی یا دینی در جامعه ایرانی را نداشت؛ بلکه آنان در برابر یک «غبت و گرایش بزرگ ملی» که در جامعه ایرانی آن روزگار نسبت به «حسین» وجود داشت، تمکین سیاسی کردند و با به رسمیت شناختن «عزاداری حسینی» در حقیقت به تاریخ فرهنگ ایران زمین، زنده باد گفتند و به آن احترام گذاردند.

آن وقت پس از هزار سال «زنده باد حسین» و «زنده باد عاشورا» گفتن ملت ایران، دولتی بی‌شرافت و بیگانه‌پرست به بهانه «مدرنیزاسیون» کشور، بیش از ۶ سال «مجلس عزاداری حسینی» را ممنوع اعلام کند و اقدام برای «عزاداری حسین» را جرم بشناسد؛ هر چند این سیاست فرهنگی دشمنانگی با سرزمین ایران به اقتصاد فرهنگی و بازار فرهنگی آن دوره، لطمه فراوانی وارد ساخت و «بازار تولید و فروش» لوازم عزاداری را برای چندین سال به تعطیلی کشاند و پارچه نوشته‌های «محتشم» را به مخفیگاه‌ها و انبارهای ناپیدا برد؛ اما مرتبه آسمانی و قدرتمند «محتشم» تبدیل به «زمزمه‌های مخفی و پنهان» در دل جامعه ایرانی شد و چنان «سرود مقاومت» یک جنبش ملی، بر سر زبان‌ها و در اعماق دل‌ها و روح بزرگ جامعه ایران به تکاپو درآمد و «عزاداری مخفی» و «عزاداری نیمه شبان» و «عزاداری زمزمه‌ای» را خلق کرد و در هر محرم – گرچه هیچ بیرو و پرچم سیاهی که مزین به نام «حسین بزرگ» و «شهید» باشد دیده نمی‌شد و هیچ پارچه نوشته‌ای از «محتشم» حتی در «کاشان» هم به چشم نمی‌خورد- اما زمزمه‌ها در آخرین ساعات شبانگاهان محرم برای «حسین» آغاز می‌شد و لشکر گریه و اشک برای حسین مظلوم، آهسته آهسته قدم بر سینه مؤمنان وطن می‌گذاشت.

روزمره نگاری

چند درجه سانتیگراد عشق؟



رقیه توسلی: فکر می‌کنم و باز فکر می‌کنم... استوری ایستنا، کار دستم داده. بعد از تماشای ویدئو چند ثانیه‌ای فیلم «در دنیای تو ساعت چند است؟» ذهنم خالی نمی‌شود از سوآلی که معلمی از بچه‌های کلاسش می‌پرسد و متعاقبش بنده از خودم و بقیه

کسانی که‌دم‌دستم‌هستند.اما آن پرسش ساده‌ای‌چی‌تو‌مستون‌خوشتون‌میاد؟ با شنیدن این پرسش، به طرفه‌الدینی تابستان و پاییز را رد می‌کنم و می‌رسم به محضر فصل آخر، به زمستانی که همیشه تافته جدابافته‌های بوده برایم و دل‌بخامش هستم. همان دقایق نخست، ملتفت می‌شوم دلم، دیدن پرف و آدم برفی که شال گردن بنفش انداخته می‌خواهد. بعد نشستن کنار پنجره بخار گرفته و رسم نقاشی انگشتی درحالی‌که همه خانه را عطر کودتنبیل برداشته و ایضاً شنیدن دلینگ دلیینگ زنگ تلفنی که آن طرفش کسی با مهربانی بگوید امشب به عمارت خنجان دعوتید.

سارا می‌گوید: من کیف می‌کنم پیاده تا مغازه آقا عمادالدین بروم و چند بسته ازگیل شور و تخمه آفتابگردون تو قیف کاغذی بخرم. بعد به نیت خواهرم که عاشق هله هوله بود بین عابران توزیع کنم. اون‌وقت تو همون هوا، هی هاهاکنان از خودم بپرسم یعنی الان چند درجه سانتیگراد است؟ جاری جان، دوسه دارم برای پیرزنی تنها، آشیزی کنم. بعد با هم گپ بزنیم همون‌طور که قل قل کتری به‌راه است. خوشم میاد با کامواهای رنگی برایش لباس گرم می‌پایم.

همکار: نمی‌دانم چرا اما به‌شدت خوشم میاد تو راسته پارچه فروش‌ها خودم را غرق تماشای طرح‌ها کنم.

برادرخان: من دیوانه شب‌چره‌های‌ام که آقاجان توی فومن می‌چید. اصلاً دلم لک زده برای زمستونایی که روی پیک نیکی، نون شیرین سرخ می‌کرد برا بچه‌هاش. فکر نکنم سور و سات هیچ پادشاهی به پررنگی مال ما بوده باشد. فرید: راستش چی خوشایندتر از اینکه تو سیاه زمستون، خانواده‌مون کلی متولد داره. تازه کافه‌گردی و بردن کوچولوهای قامل به شهربازی سرپوشیده هم خیلی حالمو خوب می‌کنه.

مدیر داورالرحمه: کتاب خوندن تو این فصل، گوشت می‌شود به تنم، اصلاً حظ می‌برم که قوری چایی باشد و زنبیلی کتاب که بروم کنج کانپه و حالا نخوان کی بخوان.

اما جواب خواهری از آن جواب‌ها و دوست داشتن هاست... از آن متفاوت‌ها... از آن‌ها که نمی‌شود از کنارش بی تأمل سرُ خورد و گذشت. او می‌گوید: دیدن لیخند عزیز. حتی لیخند اشتباهی‌اش. من از خدمتگزاری به مادرم خوشم میاد. فکر می‌کنم این‌طوری همه زمستونایی عمرم ساخته میشه.

گلایه پرویز شیخ طادی از ضعف فیلم‌نامه نویسی در مجموعه‌های تلویزیونی

دور میزهای سیاست‌گذاری تلویزیون نه جامعه‌شناس نشسته و نه روان‌شناس

فدراسیون جهانی با بهانه‌ای سیاسی ایران را تعلیق کرد

جودو ایران سرشاخ با لابی‌های صهیونیستی



نگاهی به قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۳

بازگشت نفت خورها

امجد تربت‌زاده: حکایت میهمان ناخوانده و چه

بسا سارق و دشمنی است که وقتی او را از در می‌رانید، مدتی بعد سروکله‌اش در میان پنجره پیدا می‌شود و اگر کوتاه بایباید، این بارجوری در خانه شما جا خوش می‌کند که سال‌های سال قادر به بیرون کردنش نباشید. حکایت نفت در ایران، ملی شدنش و بعد هم ماجرای قرارداد نفتی «کنسرسیوم» کم و بیش شبیه همین‌هاست که بالاتر گفتیم. ۲۸ مرداد ۱۳۳۳ پس از ۶ ماه مذاکره، سرانجام طرف‌های ایرانی – اروپایی و آمریکایی، مفاد قرارداد نفتی جدید را امضا زدند تا دعوی نفتی به ظاهر خاتمه پیدا کند و در باطن همه خون دل‌هایی که مردم ایران پای ملی شدن صنعت نفتشان خورده بودند، به باد فنا برود!

قرارداد جدید

آب‌های کودتای ۲۸ مرداد که از اسباب افتاد، نوبت رسید به تقسیم غنایمش. انگلیس و آمریکا، میلیون میلیون دلار و پوند خرج نکرده بودند که فقط یک نخست وزیر را در ایران جابه‌جا کنند و شاه قهر کرده را به تختش برگردانند. پشت پرده ماجرا «نفت» بود که یک بار غفلت کرده و نزدیک بود همه منافعشان را از دست بدهند. سسال که نو شد، از فروردین سال ۱۳۳۳ مذاکرات برای تعیین تکلیف وضعیت نفت ایران آغاز شد. ارتشبد «زاهدی» از مدت‌ها پیش، روابط قطع شده با انگلیس را دوباره وصل کرده بود و حالا «امینی» را به عنوان سرپرست تیم مذاکره‌کننده فرستاده بود تا انگلیس را راضی کند به ملی شدن صنعت نفت ایران رضایت بدهند! تقریباً چهار سال بود که ایران با کارشکنی غربی‌ها نتوانسته بود درست و حسابی نفت بفروشد.

۹۰ درصد

آن روزها تقریباً ۹۰ درصد تولید، پالایش و توزیع نفت جهان در اختیارهشت شرکت بین‌المللی، شامل پنج شرکت آمریکایی، شرکت بریتیش‌پترولیوم، شرکت هلندی شل و یک شرکت فرانسوی بود. به جز قدرت فنی و اقتصادی، این هشت شرکت از حمایت کامل سیاسی، نظامی و اقتصادی دولت‌های خودشان هم برخوردار بودند. یعنی ایران در عمل با یک امپراتوری خودخواه نفتی رو در رو بود که حاضر نمی‌شد سر سوزنی امتیاز بدهد یا حق خورده شده ملتی را به او برگرداند. دست اندکاران و دنبال کنندگان نهضت ملی شدن نفت در ایران، شاید با این حساب و کتاب که قطع تولید نفت ایران بتواند بازار جهانی را متلاطم کرده و فشار ناشی از این ماجرا انگلیسی‌ها را وارداد کرده و به شرایط کشورمان تن بدهند، برخواسته‌هایشان پافشاری کرده بودند.

امپراتوری نفت‌خوار غرب اما به این آسانی‌ها حاضر نبود از منافعش چشم ببوشد. از یک سو مقدمه‌چینی برای سقوط دولت قانونی ایران را تدارک دید و از سوی دیگر با مشارکت شرکت‌های بین‌المللی، تولید

نفت در کویت، عراق و آمریکا را بسالا برد تا جبران کاهش عرضه نفت ایران را کرده باشد. البته این ترندند به صورت دائمی نمی‌توانست به کار گرفته شود و قطع جریان نفت ایران در بلند مدت می‌توانست بازار جهان را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما واقعیت این بود که غرب و شرکت‌های نفتی‌اش داشتند شرایطی را فراهم می‌کردند که ایران را مجبور کنند با دست خالی پای میز مذاکره بنشیند. یعنی حتی با اینکه دولت ایران را هلندی‌ها و مهربه‌های خودشان را روی کار آورده بودند و طبیعتاً نمی‌باید برای مذاکره و بستن قرارداد جدید مشکلی داشته باشند، اما ترجیح می‌دادند کاری کنند که خودشان با برگ‌های برنده و ایرانی‌ها با دست‌های خالی در این مذاکرات حاضر شوند.

غرامت هم بدهید!

مثلاً قرار نبود در قرارداد، حق و حقوق انگلیسی‌ها کاهش پیدا کند. اما این ماجرا به این معنی نبود که امتیاز بیشتری به ایران داده شود. یعنی در قرارداد «کنسرسیوم» ۴۰ درصد منافع استخراج و فروش نفت ایران به انگلیس داده شد. ۴۰ درصد را پنج شرکت آمریکایی مالک شدند، ۱۴ درصد نصیب رویال داچ شل هلندی شد و ۶ درصد هم به یک شرکت فرانسوی رسید. وقتی «امینی» و نمایندگان شرکت‌های نفتی یاد شده قرارداد را امضا کردند، اگرچه چند نفر از نمایندگان مخالف در مجلس، چند ساعتی در مخالفت با این طرح صحبت کردند امسا موافقان با این توجیه که قرارداد طوری تنظیم شده که در نهایت ۵۰ درصد درآمد فروش نفت به ایران می‌رسد، زمینه تصویب آن در مجلس را فراهم کردند.

دولت پس از کودتا در ایران، به همین ۵۰ درصد هم راضی بود. بنابراین رضایت داد که مدت زمان قرارداد ۲۵ سال باشد و سه دوره پنج ساله هم قابل تمدید باشد!

گمان نکنید انگلیسی‌ها به این حد راضی شدند. آن‌ها حالا مدعی غرامت گرفتن هم شده بودند. پس از

پنج ماه چانه زدن، سرانجام رضایت دادند با دریافت ۲۵ میلیون لیبره غرامت و ۲۱ میلیون لیبره هم بابت استهلاک تأسیسات نفتی که قبلاً در ایران داشتند، پای قرارداد جدید را امضا برزند. آن هم با این شرط که مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار نیز به عنوان سررفعلی به ایران داده شود. اما واقعیت این بود که مدت اعتبار قرارداد جدید را از سوی کنسرسیوم به شرکت نفت انگلستان پرداخت شود. بدیهی است که این مبلغ هم در واقع از جیب ایرانی‌ها پرداخت می‌شد!

۵۷ سال

در ظاهر، مهم‌ترین پیامد امضای قرارداد کنسرسیوم این بود که سلطه صفر تا صدی انگلیسی‌ها بر نفت ایران پایان می‌یابد. واقعیت ماجرا اما این بود که پای آمریکایی‌ها به صنعت نفت ایران باز شد و عملاً خبری از استقلال در صنعت نفت نبود. آمریکایی‌ها ۱۰ سال تلاش کرده و حالا توانسته بودند به ۴۰ درصد از نفت ایران دست ببندازند. بخش زیادی از منافع نفتی ما در سال‌های نخست صرف غرامت دادن شد و انگلیسی‌ها هم هرگز حاضر نشدند به طور کامل پایشان را از صنعت نفت ایران عقب بکشند.

در بهمن ۱۳۵۱ هم به دنبال ملاقاتی که بین شاه و روسای کمپانی‌های نفتی غربی در شهر «سن ورتیس» انگلستان انجام شد، مقدمات شکل‌گیری کنسرسیوم جدید با شرکت هشت کمپانی نفتی ایجاد شد که به‌زودی ۶ کمپانی دیگر نیز به آن‌ها ملحق می‌شدند. در این قرارداد که مدت اعتبار آن ۲۰ سال تعیین شده بود شرکت‌های نفتی غرب در زمینی به مساحت ۱۸۹/۲۶۲ کیلومتر مربع حق عملیات ساختمانی یا حفاری داشتند. پس از انقلاب اسلامی، ایران همه قراردادهای خارجی از جمله این کنسرسیوم دوم را لغو اعلام کرد تا شرکت‌های نفتی غرب به دیوان دآوری لاهه شکایت ببرند. پس از هفت سال بررسی‌های قانونی، سرانجام ۲۷ آذر ۱۳۶۹ با صدور رأی دیوان عالی لاهه، پرونده کنسرسیوم به صورت قانونی مختومه اعلام شد.



۱۱۰

ورزش

هفته چهارم لیگ برتر فوتبال

شهر خودرو

به دنبال امتیاز ۱۲

روسیه هم مثل ما سه سهمیه المپیک گرفت

بنا: از فردا کارمان برای المپیک استارت می‌خورد

محمد بنا که از ۹ ماه قبل راضی به بازگشت شد و

هدایت تیم ملی کشتی فرنگی را برعهده گرفت، از نتایجی که تیمش در مسابقات جهانی ۲۰۱۹ گرفته، تقریباً رضایت دارد. آقای خاص کشتی با ورود خود توانست صعود هفت

پله ای نسبت به دوره قبلی را برای ایران رقم بزند اما در یک قدمی رفتن روی سکو، فرنگی کاران پشت سر حریفان ماندند. البته که حسرت پنج ساله نداشتن حتی یک فینالیست به دل علاقه‌مندان به کشتی

باقی ماندمحمد بنا در مورد عملکرد تیم ملی کشتی فرنگی در رقابت‌های جهانی قزاقستان گفت: نسبت به تیم جوانی که داشتیم ...

آزمون نخستین گل فصل چمپیونزلیگ را زد

تا به رکورد دایی برسد

تاریخ سازی سردار در لیگ قهرمانان اروپا

مجاز آباد

ربطی به ممنوع‌الخروجی ندارد

پس از صحبت‌های جنجالی پگاه آهنگرانی در انتقاد از اظهارنظرهای مختلف سلبریتی‌ها، مجازا افتخار با کنایه

به هم‌صنفی خود در توئیتر نوشت: «پگاه آهنگرانی عزیزم، پیغام‌ت را همه شنیدیم؛ امیدوارم هرچه زودتر حکم ممنوع‌الخروجیت لغو بشه». اما در جواب

به این پست افتخار، منیژه حکمت، مادر پگاه آهنگرانی و کارگردان سینما نوشت: «مجازا جان قصد جواب نداشتیم. ولی پگاه گفت این پیغام رو بهت بدم؛ اول اینکه این مصاحبه برای دو سال و اندی پیش است پس نه به ممنوع‌الخروجی ربط دارد و نه به خاطر عافیت‌طلبی است و به غلط این شایبه را جا نیندازید که پگاه عافیت‌طلب یا به هر طریقی بسه دنبال رفع ممنوع‌الخروجی بود».

پسر قرمز

کاربران فضای مجازی در واکنش به سکوت سلبریتی‌ها و چهره‌های سیاسی و هنری در ماجرای مرگ کودک هشت ساله در ورزشگاه آزادی، هشتگ «پسر قرمز را در شبکه‌های اجتماعی داغ کردند. در ادامه نمونه‌هایی از پیام‌های منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید:»در

عجبم که چرا از راه ندان دختر آبی به ورزشگاه کوه ساختن ولی از برق گرفتگی و مرگ پسر قرمز در همان ورزشگاه هیچ کلامی نگفتن؟... چرا هشتگ پسر قرمز رو ترند نکردین؟ الان مشخص می‌شه براتون جون انسان مهمه یا منفعت سیاسی».

توجه واقعی به زنان

احمدامیرآبادی فراهانی، نماینده مردم قم و عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در جدیدترین پست توئیتری خود با اشاره به اقدامات مثبت رئیس قوه قضائیه درباره پیگیری حقوق زنان، در صفحه توئیتر خود نوشت: «رئیس قوه قضائیه در کنار مبارزه قاطع با مفاسد اقتصادی که صدای ازدهای هفت سر را درآورده، از پیگیری حقوق زنان غافل نشد و لایحه امنیت بانوان در برابر خشونت را در ۶ ماه بررسی و به دولت فرستاد؛ این یعنی توجه واقعی به زنان».

به یاد دارید آقای رئیس جمهور؟

دونالد ترامپ چند روز پیش برای مقصر نشان دادن ایران در ماجرای حمله پهلادی یعنی‌ها به عربستان، در صفحه توئیترش نوشته بود: «به یاد داشته باشید ایرانی‌ها وقتی پیهاد آمریکایی را ساقط کردند، گفتند پهپاد در سرزمین آن‌ها بوده در حالی که اشتباه می‌کردند. حالا می‌گویند ارتباطی با حمله به عربستان سعودی نداشته‌اند. خواهیم دید.»

راب اشتاینر، هنرپیشه معروف آمریکایی هم در پاسخ به رئیس جمهور آمریکا نوشت: «آقای رئیس جمهور آیا شما هم به یاد دارید در سال ۱۹۸۸ ناو آمریکایی یک هواپیمای مسافربری ایرانی با ۲۹۰ مسافر را «به اشتباه» در آب‌های ایران سرنگون کرد؟»

فرهنگ و هنر

پنجشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۸

۱۹ | محرم ۱۴۴۱ | ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۶۶ | ۹۰

خبر

فراخوان دوازدهمین دوره جایزه ادبی

جلال آل احمد منتشر شد



فرهنگ و هنر: دبیرخانه دوازدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد با دعوت از همه نویسندگان، پژوهشگران، پدیدآورندگان و ناشران برای ارسال آثار خود در گروه‌های

چهارگانه فراخوان داد. دبیرخانه جایزه ادبی جلال آل‌احمد از نویسندگان، پژوهشگران، پدیدآورندگان و ناشران دعوت کرد تا آثار خود را تا پایان ۲۰ مهر ۱۳۹۸ و در چهار گروه داستان بلند و رمان، مجموعه داستان کوتاه، نقد ادبی و مستندنگاری به این دبیرخانه بفرستند.

براساس این گزارش، فقط کتابهایی که برای نخستین‌بار در سال ۱۳۹۷ منتشر شده باشند، کتابهایی که با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در داخل کشور به چاپ رسیده باشند و در یکی از چهار گروه بالا قرار گیرند، امکان حضور در بخش رقابت و داوری جایزه جلال را خواهند داشت.

دبیرخانه دوازدهمین دوره جایزه جلال آل‌احمد به نشانی تهران، خیابان کریم‌خان‌زند، خیابان سنایی، کوچه اعرابی (پنجم)، پلاک ۶، بنیاد شعر و ادبیات داستانی با کدپستی ۱۵۵۵۶۳۴۷۱ آماده دریافت آثار است.

در نشست بزرگداشت روز شعر و ادب پارسی عنوان شد

شاعران در برابر فضای مجازی

اضطراب فناوریانه دارند



فرهنگ و هنر: نشست بزرگداشت روز شعر و ادب پارسی به همت پژوهشکده زبان و ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در این نشست اسماعیل امینی، شاعر و پژوهشگر با موضوع بلاغت طنز در غزل‌های استاد شهریار و آرش شفاعی، شاعر و دبیر گروه فرهنگ و هنر روزنامه قدس با موضوع رسانه و شعر سخنرایی کردند. در ابتدای این نشست اسماعیل امینی با اشاره به ویژگی‌های بلافی اشعار استاد شهریار گفت: اگرچه بنیادهای زیبایی‌شناسی شعر شهریار، کلاسیک است او توانسته از بلاغتی که تحت تأثیر شعر معاصر ایجاد شده است، به خوبی در شعرهایش بهره ببرد و یکی از جلوه‌های این امر، استفاده فراوان از طایفه طنز در شعرهایش به خصوص در غزل‌هاست که مهم‌ترین قالب شعری شهریار است.

وی افزود: برخلاف نظر برخی پژوهشگران که طنز را یک ویژگی کاملاً امروزی در ادبیات می‌دانند، اشعار شاعران بزرگ کلاسیک ما از نمونه‌های درخشان طنز سرشار است و شاعران کلاسیک ما طنز را مانند دیگر آرایه‌های ادبی استفاده می‌کرداند. امینی با ارائه نمونه‌هایی از شعر شهریار گفت: استفاده از عرفان و اصطلاحات عرفانی، عاشقانه‌سرایي و زندانه‌سردن به عنوان سه‌صیغه مهم شعر سبک عرفانی، در شعر شهریار نیز جلوه‌ای پررنگ دارد. وی با اشاره به برخی تعصبات بی‌جا درباره نقد شعر شهریار گفت: برخی فکر می‌کنند نسبت میان بزرگان مثل نسبت میان بازیکنان فوتبال است که درباره گل زن یا گل نزن با هم کری خوانی کنند و طرفدارانشان به میدان بیایند و علیه‌هم شعار دهند. امروز اگر انتقادی از برخی اشعار ضعیف‌تر شهریار کنید، گروهی به میدان می‌آیند و با رگهای برجسته شروع به فحاشی می‌کنند درحالی که شهریار خود را شاگرد کوچک بزرگان شعر فارسی مانند حافظ می‌دانت و او هم مانند هر شاعر دیگر باید نقد شود و شعرش محک بخورد. آرش شفاعی نیز در این نشست، با بیان تاریخچه‌ای از تأثیرگذاری رسانه بر فرم و مضمون شعر فارسی گفت: ما معتقدیم رسانه‌ها در دوره‌های مختلف بر شعر مانند هر پیام دیگری تأثیر داشته‌اند اما این تأثیرگذاری را باید در کنار عوامل دیگر دید و سنجید و دچار جبر گرایی فناوریانه یا جبر گرایی اصالت اجتماعی نشد. وی گفت: در دوران سالیان در خراسان بزرگ وقتی خط فارسی ابداع شد، رسانه اصلی شعر از رسانه‌های شفاهی به رسانه‌های مکتوب تغییر یافت اما کتاب هم به دلیل سختی نسخه‌برداری و هم به دلیل وضعیت امنیتی همیشه در معرض آسیب بود و شاعران مجبور بودند برای حفظ آثار خود راهی به دیون‌های درباری بیایند و یکی از دلایل علاقه‌مندی شاعران به حمایت سلاطین و وزرا همین بوده است. شفاعی با اشاره به تأثیرگذاری آشکار رسانه‌ها پس از مشروطیت بر ساختارهای فکری و فرهنگی کشور از جمله ادبیات گفت: رواج شعر طنز در ایران تحت تأثیر اشعار روزنامه ماصلاح‌الدین بود که از باکو وارد ایران می‌شد و قالب تصنیف تنها پس از به وجود آمدن امکانات ضبط موسیقی تثبیت شد و شعر نو نیز اگر ترجمه آثار و اشعار شاعران غرب به خصوص فرانسوی‌ها نبود، شکل نمی‌گرفت.

وی با تأکید بر ویژگی‌های رسانه‌های نوین مبتنی بر اینترنت گفت: شاعران امروز در برابر فضای مجازی دچار اضطراب فناوریانه شده‌اند؛ چرا که از یک سو ابهامی مخاطب، انتشار راحت و فرار از سانسور و نظارت را می‌خواهند و از یک سو انتشار انبوه شعرهای ضعیف و نقض حقوق مؤلف را نمی‌خواهند برای همین نمی‌توانند موضعی روشن و مشخص در برابر اینترنت و فضای مجازی بگیرند.

برج میلاد میزبان کنسرت موسیقی رایگان «وداع» عاشورایی می‌شود



میزبان سوگواره موسیقایی عاشورا با اجرای حسام الدین سراج است. امسال برج میلاد به روال هر ساله ویژه برنامه هابی را برای ایام محرم و صفر در نظر گرفته است که اجرای این سوگواره موسیقایی از آن جمله است.

وی با اشاره به اجرای موفق ارکستر فیلارمونیک شهر تهران در برج میلاد، افزود: کنسرت «وداع» به خوانندگی حسام الدین سراج و رهبری ارکستر توسط سید محمد میرزمانی در قالب برنامه سوگواره عاشورایی ۵ تا ۷ مهرماه و بصورت رایگان برای علاقه مندان به این سبک از موسیقی در مرکز همایش های برج میلاد برگزار می شود. وی تصریح کرد: در این سوگواره موسیقایی هشت ترک با همراهی حسام الدین سراج خواننده مطرح کشور اجرا می شود و قطعاتی نیز بصورت دکلمه در بیان حماسه عاشورا توسط هنرمند مطرح کشور وحید جلیلووند اجرا خواهد شد.

به گفته توسل این سوگوار با اجرای هشت قطعه در قالب روایتی داستانی از حماسه عاشورا و رشادت های حضرت سیدالشهدا (ع) و یاران باوفای ایشان با اشعاری از عمان سامانی برگزار خواهد شد.

علاقه مندان به حضور در برنامه می توانند پس از بازگشایی سامانه از طریق سایت تیوال بدون پرداخت هزینه جای خود را رزرو کنند.

گفت وگو با طیبه رضوانی، شاعر گروه سنی خردسالان

برای شعر خردسال باید کوچک شوی



وقتی که من چشم می‌ذارم دور ترو، نزدیکم بمون می‌خوام که پیدات بکنم مورچه‌ی خوب و مهربون

آخه تو ریزه میزه‌ای گم می‌شی زیر دست و پام وقتی که خوب قایم شدی یه سوت بزنی تا من بیام



اکنون به یمن جلسه‌های نقد متعدد مجازی، حضوری و نشست‌ها، فعالان دراین حوزه پخته‌تر عمل می‌کنند و به همین خاطر میدان برای افرادی که تصور می‌کنند تنها با شکستن زبان و بیان یک چیز کوچک و سخیف می‌توان شعر خردسال گفت، وجود ندارد

باید به کشف شاعرانه‌هم اشاره کنم. به اعتقاد من شعری که می‌خواهد امضای یک شعر خردسال خوب را داشته باشد باید دارای کشف شاعرانه باشد.یکی از مشکلات دیگر اشعار این حوزه این است که گاه سوزِ خردسال است اما در آن کلمات شعر کودک به کار رفته است یا برعکس سوزِ کودکانه است اما با دایره واژگانی مناسب خردسال سروده شده و به نظر مؤلف شعر مناسبی است . این بزنگاه مهمی است که شاعران تازه کار باید به آن توجه کنند.

با توجه به این معیارها آثار چاپ شده در

آرش خلیل‌خانه: وزیر ارشاد در پاسخ به مطالبات درویش مینی بر انتشار نسخه دی وی دی «رستاخیز» اعلام کرد: تصمیمات و گفت وگوهایی انجام شده که نتیجه آن اعلام خواهد شد.

در هفته گذشته حواشی جدیدی برای فیلم «رستاخیز» ساخته احمدرضا درویش به وجود آمد، نسخه غیرنهایی فیلم رستاخیز با نام «القریان» هم‌زمان با تاسوعا و عاشورا حسینی بود که به طور غیرقانونی در فضای مجازی و سایت‌های اینترنتی بارگذاری شد و موجب شد درویش پس از مدت‌ها سکوت خود را شکسته و به آن واکنش نشان دهد.

وی در بیانیه‌ای که به همیین انگیزه در اختیار رسانه‌ها قرار داد، عنوان کرد : دیدن، کپی و انتشار «رستاخیز» حرام است. درویش در این بیانیه از تمام نهادهای انتظامی و اطلاعاتی، وزارت



وزیر ارشاد به مطالبات تازه کارگردان «رستاخیز» پاسخ داد



چهره‌خبر

گلایه پرویز شیخ طادی از ضعف فیلم‌نامه نویسی در مجموعه‌های تلویزیونی

دور میزهای سیاست‌گذاری تلویزیون، نه جامعه‌شناس نشسته و نه روان‌شناس

باشد و حتماً به روان‌پزشک مراجعه کند چون اگر بیماری ذهنی داشته باشد در قلمش، در دیالوگ نویسی و نوشتار او جاری می‌شود. روح روان یک نویسنده نباید بیمار باشد، اگر هم بیمار باشد ننگ نیست ممکن است که نویسنده‌ای دچار وسواس، بدبینی و سوءتفاهم باشد در حالی که از نظر فنی و ادب، قلمی قوی و گیرا داشته باشد، این‌ها عیب نیست ولی نباید ضعف محتوایی آثارش در پس قوت قلم او پنهان شود، مهم است که محتوای یک مجموعه نمایشی برای تلویزیون، دارای کمترین ناهنجاری باشد. وی اضافه می‌کند: مدیران تلویزیون باید هوشیار باشند که کدام قلم‌ها دارند محتوایی بد را به شکلی حرفه‌ای می‌پوشند، شاید برخی از نویسندگان به بیماری‌های روانی مبتلا باشند که خودشان هم بی‌خبرند ولی این‌ها قابل درمان است. وقتی درباره این مسائل حرف می‌زنیم عده‌ای آن را شوخی می‌پندارند در حالی که واقعیت است.

این کارگردان با بیان اینکه اختصاص بودجه برای ساخت سریال‌های طولانی مهم است اما بعد از بودجه، نقش نویسندگان بسیار مهم است، تأکید دارد: باید نویسندگان سریال‌ها را به سمت نوشتن آثار ارزشمند هدایت کرد، گاهی بودجه هست ولی نویسندگان به سمت ساخت مجموعه‌هایی می‌روند که کاملاً علیه برسد اما معتقدم که فیلم‌نامه نویس باید سالم

برخی فیلم‌نامه‌نویس‌ها، وسواس فکری دارند

پرویز شیخ طادی، کارگردان سینما و تلویزیون که به تازگی مجموعه تلویزیونی «بازی سردار» ساخته وی از شبکه سه سیما پخش شده است، گلاجهایی از ضعف فیلم‌نامه نویسی در تولیدات مجموعه‌های نمایشی در تلویزیون دارد.

وی با بیان اینکه فیلم‌نامه نویسی در حوزه تلویزیون دارای ضعف است، به خبرنگار ما می‌گوید: شاید این حرف من خنده‌دار به نظر برسد اما معتقدم که فیلم‌نامه نویس باید سالم

شما در این باره چیست؟
من وجود آثار ترجمه‌ای را آسیب نمی‌بینم. من به عنوان یک والد اگر اثر ترجمه‌ای خوبی ببینم برای فرزنداتم تهیه می‌کنم. به نظر من به جای کوچک کردن یک حوزه بهتر است سواد خودمان را بیشتر کنیم. بدون شک اگر باسواد به سراغ آثار برویم، آسیب احتمالی هم کمتر می‌شود. من چند سالی است در حوزه روان‌شناسی کودک مطالعه می‌کنم و اکنون رسیده‌ام به این نکته که چقدر بد است شاعران کودک ما روان‌شناسی نمی‌دانند. با نگاهی به کتاب‌های ترجمه شده متوجه می‌شوم که چقدر رد پای روان‌شناسی در آن‌ها پررنگ است. مسلماً با کمک از این حوزه این شاعران و نویسندگان موفق شده‌اند به این خوبی دنیای کودک را درک کنند. نمی‌شود ما کار ضعیف تولید کنیم و بعد توقع داشته باشیم در این بازار والدین آثار ما را انتخاب کنند. هر چند که معتقدم در حال حاضر گارد والدین نسبت به این مسئله شکسته شده و بیش از گذشته توصیه‌ها را در مورد آثار بهتر می‌پذیرند و در مورد اهمیت خلاقیت در تربیت آگاه شده‌اند و به همین خاطر کودکان عناوین مختلف و متنوعی را در اختیار دارند.

به نظر شما بزرگ‌ترین آسیبی که حوزه نشر شعر خردسال را تهدید می‌کند، چیست؟

ما شاعران بسیار خوبی داریم که متأسفانه آثارشان در خانه‌ها و دفتر شعرشان مانده است. اکنون متأسفانه شرایط به گونه‌ای شده که اگر من یک قول قلمبه در جیبم داشته باشم و بتوانم ناشر را حمایت کنم، این است که شرایط نشر در این حمایت‌ها به این مسئله شکسته شده و بیش از گذشته توصیه‌ها را در مورد آثار بهتر می‌پذیرند و در مورد اهمیت خلاقیت در تربیت آگاه شده‌اند و به همین خاطر کودکان عناوین مختلف و متنوعی را در اختیار دارند. اما کسانی که اینچنین امکانی ندارند، کاری هم از‌دستشان بر نمی‌آید. ما شاعران خوبی داریم که شعرشان خراب می‌خورد. دو عنوان از آثار من با اینکه تأیید شده بود اما سال‌ها طول کشید تا بالاخره به چاپ برسیدند. از طرف دیگر افرادی هم هستند که نمایشان برند شده و ناشران به آن‌ها روی خوش نشان می‌دهند. این درست نیست که بازار در دست تعداد محدودی باشد.

به نظر شما مجلات می‌توانند به رفع مشکلات این حوزه کمک کنند؟

مجله چون مجموعه‌ای از قالب‌های متنوع است برای خردسالان و کودکان خیلی جذاب است اما وضعیت نشریه‌های مناسب این سن از گذشته بدتر شده است. همان تعداد اندکی که حضور داشتند، به خاطر اثری و شرایط بازار رو به تعطیلی هستند. به طور مثال نشریه دوست که به نوبت ابتدا دوست نوجوان حذف شد و به دنبال آن دوست کودک و خردسال تعطیل شدند. درحالی که مجلات بسیار باکیفیت و تیم خوبی در آن مشغول به کار بودند. مجلات می‌توانند به کشف استعدادهای نو کمک کنند و موجب رشد کیفی این حوزه شوند. ما باید به فکر کشف استعدادهای نو باشیم. من خودم در مجله‌هایی که مشغول هستم به این نکته توجه می‌کنم. این‌قدر استعدادهای خوبی حضور دارند که کار می‌کنند و وظیفه ماست که آن‌ها را معرفی کنیم.

برخی منتقدان این حوزه وجود آثار ترجمه‌ای را یک آسیب بزرگ می‌دانند، نظر

آدم‌هایی مثل من زده، هیچ وقت پاک نمی‌شود. وزیرفرهنگ و ارشاد نیز در پاسخ به پرسش خبرنگار قدس مبنی بر واکنش ارشاد به درخواست احمدرضا درویش و مطالبات وی در خصوص پیگیری عاملان انتشار نسخه غیرقانونی «رستاخیز» و صدور مجوز انتشار نسخه دی وی دی فیلم گفت: از قبل هم در مورد این مسئله صحبت داشتیم و در مورد اینکه چگونه نسخه غیرقانونی فیلم «رستاخیز» منتشر شده جلساتی برگزار کرده‌ام و بنیاد سینمایی فارابی نیز با تهیه‌کننده و صاحبان اثر گفت و گو و جلساتی داشته که عوامل این مسئله مشخص‌تر شوند.

اما در مورد اینکه موانع انتشار و پخش این فیلم در نسخه دی وی دی و شبکه نمایش خانگی برطرف شود، گفت و گوهایی صورت گرفته که آن‌شاه‌الله خبر آن اعلام خواهد شد.

چهره‌خبر

گلایه پرویز شیخ طادی از ضعف فیلم‌نامه نویسی در مجموعه‌های تلویزیونی

دور میزهای سیاست‌گذاری تلویزیون، نه جامعه‌شناس نشسته و نه روان‌شناس



اینکه خانواده را عامل توطئه معرفی کنند. اگر قرار باشد که برای تولیدات نمایشی رسانه ملی، سیاست‌گذاری‌های درست و مبتنی بر اخلاق شکل بگیرد، نیاز است به مسائل جامعه‌شناسی دقت شود ولی متأسفانه دور میزهای سیاست‌گذاری تلویزیون، نه جامعه‌شناس نشسته و نه روان‌شناس. این کارگردان تأکید می‌کند: سوز‌های جنایی در تاریخ کشورمان وجود دارد که محتوای نمایشی ارزشمندند و می‌توان از آن‌ها اقتباس کرد. تولیدات نمایشی تلویزیون باید آثار تربیتی و اصلاحی بر جامعه داشته باشند و این اثربخشی تنها از آثاری با محتوای ارزشمند برمی‌آید.

خانواده است، سریال‌هایی که نشان می‌دهد همه توطئه‌ها در دل خانواده‌ها شکل می‌گیرد، خوب این به لحاظ روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آسیب‌زااست در حالی که در اغلب کشورهای دنیا به ویژه کشورهای پیشرفته، یکی از موارد مهم در میزبازی تلویزیون، نه جامعه‌شناس خانواده‌ی، این است که هیچ‌وقت در شبکه‌های ملی خودشان اجازه نمی‌دهند که سریالی، مرکز توطئه و جنایت را در بین اعضای یک خانواده نشان دهد.

به گفته شیخ طادی، در سریال‌های خارجی که برای تلویزیون‌های ملی خودشان می‌سازند اعضای خانواده را با وجود اختلاف نظر و سلیقه، همیشه منسجم و متحد نشان می‌دهند نه